

**Investigating the social factors affecting the deviance of teenage girls  
(case of study: teenage girls of Firuzkoh city)**

**Shiva Pourghazi Golbaghi**

*Ph.D student in sociology of Iranian social issues, Babol branch, Islamic Azad University, Babol, Iran*

**Ali Asghar Abbasi, Asfajir \***

*Associate Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran  
(corresponding author)*

**Ali Rahmani Firuzja**

*Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran*

**Abstract:**

*Since teenage girls are the main potentials and assets of any country, their deviation will have a direct impact on the future of the country as one of the important challenges of the family. The aim of the research was to investigate the social factors influencing teenage girls' deviance based on Felson's theories of daily activities and Gottfredson's self-control. The current type of research is applied, the descriptive method is a survey and the data collection tool is a questionnaire. In total, 400 female students of the first secondary school of Firuzkoh city in 1400-1401 were selected by simple random sampling method and answered the questionnaire. In order to analyze the data, spss24 and Amos24 software were used. The results of Pearson's correlation test and multiple regression in examining hypotheses show that all aspects of selfcontrol variables and daily activities have a significant relationship with teenage girls' deviance. The final linear regression model showed that (0.92) percent of the changes in adolescent girls' deviation can be explained by independent variables. According to the results of structural equation analysis, all the components of self-control and daily activities, in the order of importance, "risk-taking", "self-centeredness", "convenience seeking", "expressing anger" and "rushing" and The components of "unstructured activities", "structured activities", "leisure time with family", "integrity of attachment with friends" and "leisure time" have been influential on teenage girls' deviance. Therefore, theories of self-control and daily activity are an effective explanation for adolescent girls' deviance.*

**Keywords:** *Deviation, Adolescent Girls, Firoozkooh, Self-control theory, Theory of everyday activity.*

---

<sup>1</sup> Email: asfajir@hotmail.com (Corresponding Autor)

## بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کجروی دختران نوجوان (مورد مطالعه: دختران نوجوان شهر فیروزکوه)

شیوا پورقاضی گلباغی<sup>۱</sup>، علی اصغر عباسی اسفجیر<sup>۲\*</sup>، علی رحمانی فیروزجاء<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

### چکیده

از آنجا که نوجوانان دختر، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های اصلی هر کشوری به شمار می‌روند، کجروی آنان به عنوان یکی از چالش‌های مهم حوزه خانواده، تأثیر مستقیمی بر آینده کشور خواهد داشت. هدف پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کجروی دختران نوجوان با تکیه بر نظریه‌های فعالیت‌های روزمره فلسون و خودکنترلی گاتفردسون بوده‌است. نوع پژوهش حاضر، کاربردی، روش توصیفی از نوع پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. در مجموع ۴۰۰ دانش‌آموز دختر متوسطه اول شهر فیروزکوه در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Amos 24 و spss 24 استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در بررسی فرضیه‌ها نشان می‌دهند همه ابعاد متغیرهای خودکنترلی و فعالیت روزمره رابطه معناداری با کجروی دختران نوجوان دارند. مدل نهایی رگرسیون خطی نشان داد که (92/0) درصد از تغییرات کجروی دختران نوجوان توسط متغیرهای مستقل قابل تبیین است. طبق نتایج تحلیل معادله ساختاری، تمام مؤلفه‌های خودکنترلی و فعالیت‌های روزمره به ترتیب اهمیت، «خطرپذیری»، «خودمحوری»، «راحت طلبی»، «ابراز خشم» و «شتابزدگی» و مؤلفه‌های «فعالیت‌های ساخت نیافته»، «فعالیت ساخت یافته»، «اوقات فراغت با خانواده»، «شدت پیوستگی با دوستان کجرو» و «اوقات فراغت» بر کجروی دختران نوجوان تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین نظریه‌های خودکنترلی و فعالیت روزمره تبیین‌کننده مؤثری در کجروی دختران نوجوان هستند.

**واژگان کلیدی:** کجروی، دختران نوجوان، فیروزکوه، نظریه خودکنترلی، نظریه فعالیت روزمره.

### مقدمه و بیان مسئله

کجروی و تخطی از هنجارها همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۸) و انسان‌ها در فراز و نشیب‌های تاریخ از دردها و آسیب‌های اجتماعی بسیاری رنج برده‌اند و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آنها بوده‌اند تا راه‌ها و شیوه‌هایی برای رهایی از آنها بیابند. امروزه توسعه زندگی شهری، گسترش بیرویه مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی اجتماعی و جوان بودن درصد بالایی از افراد جامعه باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده و زمینه مناسبی برای مواجهه با انواع آسیب‌ها مخصوصاً در میان قشر نوجوان فراهم ساخته است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول): asfajir@hotmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار و عضو هیات علمی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

از جمله این آسیب‌ها می‌توان به «کجروی» اشاره کرد. از نظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، انحراف و کجروی ناظر به رفتارهایی است که حداقل یکی از این صفات را دارا باشد: رفتار منع شده، رفتار نکوهش شده یا رفتاری که مایه بدنامی است و یا موجب مجازات می‌شود. برخی از صاحب‌نظران کجروی را از امور غیرعادی به شمار می‌آورند که در زندگی انسان‌ها وجود دارد (راک، ۱۳۹۷).

شاید بتوان این‌طور گفت که قرن حاضر، قرن اضطراب و سرعت است و نوجوانان و جوانان سعی دارند هرچه زودتر خود را به مقصد خیالی مورد نظر خود برسانند؛ حتی اگر شده قوانین را در هم بشکنند (اکبری، ۱۳۸۵، ۱۶۵-۱۶۶). وقتی یک نوجوان به نوعی کجروی دچار شود، تمایل او برای دست زدن به انواع دیگر کجروی یا انحراف بیشتر می‌شود. به همین دلیل نوجوانان کجرو معمولاً تنها یک نوع رفتار انحرافی ندارند.

در ایران آمار و ارقام معتبری در مورد میزان کجروی وجود ندارد، اما آمارهای موجود رشد فراینده آن را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد. کجروی نوجوانان با تأثیرات منفی خود، از دو جهت، یکی از مسایل اجتماعی مهم جامعه ایران محسوب می‌شود. اول، چون نوجوانان در سن بلوغ و جامعه‌پذیری هستند و امکان اصلاح و تربیت آنها وجود دارد. دوم این که جامعه ایران از نظر ساختار جمعیتی، کشوری با جمعیت جوان است.

آنچه نسل نوجوان امروز ما را دچار سرگردانی کرده‌است از سویی زندگی در جامعه‌ای اسلامی و سنتی و از سوی دیگر رسانه‌ها و ماهواره و اینترنت است که جوانان را با فرهنگی دیگر آشنا می‌کند که بعضی از اصول آنان با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و باید میان فرهنگ خود و آن چیزی که از ذهن پویای او نشأت می‌گیرد هماهنگی ایجاد کند (شاهرضا گماسبی، ۱۳۹۶).

به گفته برخی از صاحب‌نظران، رفتارهای بزهکارانه ابتدا در فضای مجازی و سایبری شروع می‌شود و به عبارت دیگر با اعتیاد تکنولوژیکی مرتبط می‌باشد (گریفیس، ۲۰۱۱). ویژگی‌هایی مانند دسترسی آسان به اینترنت، گمنام ماندن، مشاهده الگوهای منفی، دریافت تقویت، تجربیات مثبت و خوشایند زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه آماده می‌کند (مولایی، ۱۳۹۴). این موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که در می‌یابیم نوجوانان جامعه که نیروی فعال و آینده‌ساز جامعه هستند و در واقع سرمایه‌های آتی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند، در صد قابل توجهی از این کجروان را تشکیل می‌دهند.

نوجوانانی که گرفتار این بلای اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث کار و تحصیل از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی بر زندگی آینده آنها تأثیر فراوان می‌گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آنها در حلقه‌های درسی و کاری آبرومند و آینده‌ساز، قشر مطرودی را شکل می‌دهند که خود مسئله را برای نسل آینده تشدید می‌کند و باعث تباهی نوجوانان بیشتری می‌شود.

از سویی شیوع این مسئله در بین دختران جوامع به جهت وجود برخی عوامل آسیب‌زا، به شکلی روزافزونی گسترده شده‌است. در واقع، کجروی در گروه نوجوانان دختر، این قشر عظیم جامعه، به دلیل داشتن موقعیتهای حیاتی در ساختار خانواده و جامعه و تأثیر شکل رفتاری بهنجار و نابهنجار آنها در زندگی آینده‌سازان جهان، می‌تواند به طوری ویژه فکر پژوهشگران و صاحب‌نظران را به خود جلب کند (صفرزاده، ۱۳۸۸: ۸۱).

تاکنون بررسی‌هایی در خصوص پدیده کجروی در نوجوانان و علل و عوامل مؤثر بر آن به عمل آمده است، که تنها تعداد کمی از آنها به نوجوانان دختر اختصاص داشته و دارای تحلیل جامعه‌شناختی بوده‌اند، به همین خاطر پژوهش حاضر در پی آن است که علل اجتماعی مؤثر بر کجروی‌های در نوجوانان دختر شهر فیروزکوه را جستجو نماید.

### پیشینه پژوهش

سهرابزاده و سعیدی (۱۳۹۹)، پژوهشی را با عنوان "الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان" انجام دادند. پژوهش انجام

شده به صورت کیفی و از نوع فراترکیب بود. جامعه آماری پژوهش، نشریات معتبر منتشر شده طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۸ بود که ۲۴ مقاله پژوهشی بعد از رتبه‌بندی مقالات به عنوان نمونه استفاده شدند. پس از استخراج عوامل مؤثر بر بزهکاری از بین ۲۴ پژوهش منتخب، ۳۸ عامل شناسایی و پس از تأیید خبرگان، در قالب هفت مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری در قالب هفت عامل مشکلات خانواده، مشکلات نظام تعلیم و تربیت، مشکلات نظام قضایی، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی و شرایط زیست، شناسایی و ارائه شد.

عباسی اسفنجیر و تقوی (۱۳۹۵)، پژوهشی را با عنوان "بررسی میزان و نوع کجروی در میان دانش‌آموزان: کاربرد تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای" انجام دادند. این پژوهش در میان ۳۸۴ نوجوان دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۸ ساله ساکن شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ انجام شد. برای شناسایی انواع کجروی اجتماعی، از آزمون تحلیل عاملی استفاده شد. به منظور طبقه‌بندی مناسب بر مبنای همگنی موجود در بین شاخص‌های انواع کجروی، آنها را به شیوه تحلیل خوشه‌ای مورد سنجش و تفسیر و تبیین قرار دادند. در این تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل عاملی، پنج نوع کجروی در میان دانش‌آموزان شناسایی شده که عبارتند از: ۱. کجروی نوع اعتیاد به مواد مخدر و محرک به میزان ۵/۵ درصد؛ ۲. کجروی نوع خرابکاری به میزان ۳/۸ درصد؛ ۳. کجروی نوع فرهنگی (بدحجابی) به میزان ۶/۹ درصد؛ ۴. کجروی نوپدید به میزان ۵/۱۴ درصد؛ ۵. کجروی طبیعت آزار به میزان ۶/۱۵ درصد.

ایمان و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی را با عنوان "سنجش جامعه‌شناختی نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در شهر شیراز" انجام دادند. فرض پژوهش این بود که پابندی به باورهای مذهبی، ارتباط صمیمی با اعضای خانواده و گروه‌های دوستی می‌تواند بر نابهنجاری‌های رفتاری نوجوانان تأثیرگذار باشند. جهت بررسی این فرض، داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با انتخاب نمونه‌ای ۳۸۵ نفری از دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شیراز بدست آمد و روش نمونه‌گیری، تصادفی چند مرحله‌ای بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش یافتن پابندی‌های مذهبی و ارتباط صمیمی با اعضای خانواده، از میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان کاسته شد. همچنین نتایج نشان‌داد میزان بالاتر نابهنجاری‌های رفتاری در میان آموزشی بود که ارتباط بیشتری با افراد هنجارشکن داشتند. نتایج رگرسیونی نشان داد که پابندی‌های مذهبی و ارتباط با گروه‌های دوستی به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشتند وارد معادله شده و در مجموع ۴۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را توضیح دادند.

مولایی و جانی (۱۳۹۴)، پژوهشی را با عنوان "رابطه اعتیاد به اینترنت با گرایش نوجوانان به جنس مخالف، رفتارهای جنسی، الکل، خشونت، چت و هک" انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه نوجوانان دختر و پسر پایه‌های دوره راهنمایی و متوسطه شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ در شهر اردبیل (۴۰۵۹۷) بودند. ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه پژوهشی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای به کار گرفته در پژوهش، پرسشنامه اعتیاد به اینترنت، مقیاس خطرپذیری نوجوانان، پرسشنامه محقق ساخته گرایش به چت و هک کردن بودند. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون همزمان و با استفاده از نرم افزار spss 22 مورد تحلیل واقع شد. نتایج نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت با رفتار جنسی، گرایش به جنس مخالف، خشونت، چت و هک رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $p < 0/001$ )، اما بین اعتیاد به اینترنت با زیر مولفه الکل رابطه معناداری یافت نشد. نتایج پژوهش نشان داد که اعتیاد به اینترنت قادر به تبیین معنادار رفتار جنسی، گرایش به جنس مخالف، خشونت، چت و هک می‌باشد.

رستمی و فیروزراد (۱۳۹۲)، پژوهشی را با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار: مطالعه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر" انجام دادند. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر و ۲۸۰ نفر آنها به عنوان نمونه پژوهش تشکیل دادند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های دو متغیره و چند متغیره، رابطه آماری معنی‌داری بین متغیرهای تعهد آموزشی، تعهد خانوادگی، صمیمیت خانوادگی، داشتن همسالان منحرف، احساس تبعیض در

مدرسه، محل سکونت، پایه تحصیلی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی والدین پاسخگویان با متغیر گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار وجود داشت. بر اساس ضرایب بتای استاندارد، متغیر تعهد آموزشی و تعهد خانوادگی بیشترین رابطه منفی را با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار داشته‌اند. نایج پژوهش نشان داد که حدود ۴۶ درصد از تغییرات متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار توسط متغیرهای مذکور قابل پیش‌بینی است.

کریمی مزیدی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی را با عنوان، بررسی عوامل اجتماعی موثر در کاهش کجروی در بین دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۸ سال شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱، انجام دادند. این مطالعه به روش پیمایشی در بین ۳۸۴ نفر از دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۸ سال مناطق ۵، ۱۲ و ۱۵ شهر تهران انجام شده‌است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، از همبستگی، رگرسیون خطی و کای اسکوتر استقلال استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با ضریب اطمینان ۹۵ درصد بین سرمایه اجتماعی و تمام ابعاد آن اعم از مشارکت، اعتماد، حمایت و انسجام اجتماعی همچنین سن، پایه تحصیلی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای با ضریب اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری را از نظر آماری نسبت به این رابطه نشان دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، هر اندازه افراد در ساختار جدید اجتماعی دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، یعنی این متغیر به عنوان مجموعه ذخایر ارزشمندی مانند حمایت‌های اجتماعی، روانی و مالی، حس تعلق، وابستگی و مشارکت در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی برای افراد وجود داشته‌باشد، سلامت اجتماعی افراد در جامعه جدید در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت.

چوی و چان (۲۰۱۳)، پژوهشی را با عنوان، مجرم نوجوان، انجام دادند. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت بود که پیوندهای ضعیف با والدین و نگرش منفی به نظام حقوقی می‌تواند تمایل به ارتکاب سرقت و بزهکاری را افزایش دهد. بنابراین، پیوندهای مناسب والدین با فرزندان و برخورداری از درکی روشن نسبت به نظام حقوقی می‌تواند به عنوان عوامل پیشگیری کننده از جرم و بزهکاری عمل کنند.

ورا و مون (۲۰۱۳)، پژوهشی با عنوان، خودکنترلی پایین در میان جوانان اسپانیایی، انجام دادند. در این پژوهش از نظریه‌های خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی به منظور بررسی انواع رفتارهای انحرافی استفاده شد ۲۷۷. نوجوان دبیرستانی به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که خودکنترلی پایین اثر معناداری بر روی انواع رفتارهای بزهکارانه از جمله الکلیسم و مصرف مواد داشته است. بنابراین نتیجه این تحقیق همسو با پیش‌بینی‌های نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی مبنی بر اینکه هر قدر خودکنترلی در فرد ضعیف تر، درگیر شدن در رفتارهای بزهکارانه بیشتر است.

چیونگ (۲۰۱۰)، پژوهشی را با عنوان، فشار، خودکنترلی و تفاوت جنسیتی در بزهکاری در بین نوجوانان چینی، انجام داد. این پژوهش با هدف استفاده از نظریه فشار عمومی رابرت آگنیو در همراهی دو متغیر خودکنترلی (گاتفردسون و هیرشی) و متغیر جنسیت بود. نمونه مورد بررسی در پژوهش، ۱۰۱۵ نوجوان چینی بود. نتایج پژوهش نشان داد، خودکنترلی دختران بیشتر از پسران بود. همچنین یافته‌ها نشان داد، دخترانی که دارای خودکنترلی بالایی بودند میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه و مصرف الکل در آنها کمتر بوده است. در مقابل پسرانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند گرایش شدیدتری به سمت رفتارهای انحرافی داشتند. بنابراین آن بخش از نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی مبنی بر اینکه خودکنترلی بالا فرد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، در این تحقیق مورد حمایت تجربی قرار گرفت.

چیونگ و چیونگ (۲۰۰۸)، پژوهشی را با عنوان، خودکنترلی، عوامل اجتماعی و بزهکاری: آزمون نظریه عمومی جرم در میان نوجوانان هنگ کنگی، انجام دادند. هدف از این پژوهش، بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی نظریه خودکنترلی بر بزهکاری در بافت جامعه چین بود. این تحقیق بر روی ۱۰۱۵ نوجوان مدارس متوسط هنگ کنگ به عنوان نمونه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که نظریه خودکنترلی در تبیین مصرف مواد و الکل در بافت جامعه چین از قدرت تبیین کنندگی خوبی برخوردار است. همچنین در

این پژوهش، رابطه بین خودکنترلی و عناصر پیوند اجتماعی، همنشینی افتراقی، فشار و برچسب مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد، خودکنترلی با همه این عوامل اجتماعی رابطه مستقیم داشته است. نوجوانانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند، پیوندهای اجتماعی ضعیفی نیز داشتند.

سلمی و کیویوری (۲۰۰۶)، پژوهشی را با عنوان «ارتباط بین سرمایه اجتماعی و جرم و جنایت نوجوانان» انجام دادند. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که، هنگامی که متغیرهای سطح فردی و ساختاری (مثل خودکنترلی) کنترل شده بود؛ پایین بودن حمایت از سوی والدین، پایین بودن کنترل از سوی معلم و پایین بودن اعتماد بین اشخاص، با رفتار بزهکارانه همبستگی دارد.

### چهارچوب نظری پژوهش

مبانی نظری این پژوهش، مبتنی بر تلفیق نظریه‌ی خودکنترلی یا نظریه عمومی جرم گاتفردسون و مع نظریه فعالیت‌های روزمره فلسون است.

**نظریه خودکنترلی یا نظریه عمومی جرم:** را تراویس هیرشی و میشل گاتفردسون در سال ۱۹۹۰ در تعدیل و بازسازی نظریه این نظریه را تراویس هیرشی و میشل گاتفردسون در سال ۱۹۹۰ در تعدیل و بازسازی نظریه کنترل اجتماعی هیرشی مطرح کردند، مفاهیم نظریه کنترل با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی، فعالیت روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌شود (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۹۴) و از این جهت نظریه خودکنترلی در مقایسه با نظریه کنترل اجتماعی (پیوند) هیرشی، دیدگاهی کامل‌تر است (ولش، ۱۳۸۹). این نظریه پردازان ادعا می‌کنند که خودکنترلی، نظریه‌ای عمومی است که همه جرائم را در همه زمان‌ها تبیین می‌کند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۸۹ و ولد، ۱۳۸۰). این نظریه مستقل از فرهنگ است و با توجه به این نظریه می‌توان رفتارهای انحرافی یا مجرمانه را در تمامی فرهنگ‌ها یا گروه‌های قومیتی و نژادی پیشینی کرد (ویلیامز و مکشین، ۱۳۹۱).

گاتفردسون و هیرشی از نظریه قبلی هیرشی مبنی بر اینکه تداوم پیوند های اجتماعی، مانع از رفتار انحرافی می‌شود، فاصله گرفته و این باور را مطرح کردند که خودکنترلی، که در سال‌های نخست زندگی، درونی می‌شود، مشخص می‌کند که چه افرادی مرتکب جرم خواهند شد (گراسمیک، ۱۹۹۳: ۷). کودکانی که مشکلات رفتاری دارند، معمولاً به بزهکاران نوجوان و در نهایت به بزرگسالان مجرم تبدیل می‌شوند. از آنجا که مسیر جرم یا دور شدن از آن، از اوایل زندگی شروع می‌شود، این عقیده را مطرح کردند که سطح خودکنترلی، به کیفیت تربیت کودک توسط والدین در سال‌های نخست کودکی بستگی دارد. به عبارت دیگر، این نظریه، بیانگر آن است که تربیت والدین، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سطح خودکنترلی است. در صورتیکه کودکی با سوءاستفاده یا غفلت تربیت شود، معمولاً تکانه‌ای غیرحساس، جسمانی (و نه ذهنی)، خطرپذیر، کوتاه‌نگر و کم‌صحت شده و معمولاً مرتکب رفتارهای مجرمانه مذکور خواهد شد (ولش، ۱۳۵۹). از نظر گاتفردسون و هیرشی، تمایل به ارتکاب جرم، بستگی به سطح خودکنترلی دارد؛ به طوری که خودکنترلی پایین، احتمال بیشتری برای درگیر شدن فرد در رفتار انحرافی به همراه دارد؛ درحالی‌که خودکنترلی قوی، احتمال درگیر شدن در جرم را اندک می‌کند (ویلیامز و مکشین، ۱۳۹۱). بنابراین مفهوم اصلی این دیدگاه خودکنترلی پایین است. افرادی که خودکنترلی پایین دارند در شش ویژگی مشترکند:

**الف) شتاب زدگی:** اشخاصی که خودکنترلی پایین دارند ویژگی‌های متفاوتی دارند. آنان به دنبال خشنودی فوری و آنیاند، مفهوم کامروایی تأخیری، به آن معنی که لذت‌ها و پاداش‌ها تا فرصتی مناسب تر به تأخیر افتاده یا کاملاً تغییر یابند، به کلی برایشان بیگانه است. برعکس، خودکنترلی بالا نیاز به توانایی به تعویق انداختن خشنودی دارد.

**ب) راحت طلبی:** افرادی که خودکنترلی پایین دارند، از تکالیف و تصمیمات پیچیده اجتناب ورزیده و ترجیح می‌دهند که از شیوه‌های آسان یا ساده برای برآوردن خواسته‌هایشان استفاده کنند. جرم پول بدون کار و رابطه جنسی بدون عشق بازی را برایشان فراهم می‌کند.

ج) **خطرپذیری:** آنها خطرکنندگانی عالی هستند و تمایل به تحریک و تکانش دارند، آنها از بر کف گرفتن زندگی خود لذت می‌برند و به جای یکنواختی و امنیت، هیجان و خطر را می‌جویند، آنان نیازهایشان را از راه ارتکاب جرم برآورده می‌کنند؛ از طریق ارتکاب اعمالی که هیجان‌آور و خطرناکند. در مقابل، اشخاصی که خودکنترلی بالا دارند گرایش به احتیاط، شناخت و واکنش‌های زبانی (نه فیزیکی) دارند.

د) **خود محوری:** آنها به نیازها، خواست‌ها و امیال شخصی خود اهمیت داده و نیازها و خواست دیگران از جمله افراد مهم نظیر خویشاوندان و دوستان را نادیده می‌گیرند. به طور کلی این افراد، خودمحور، بی تفاوت و بدون حساسیت به رنج و نیازهای دیگرانند.

و) **ابراز خشم:** افراد با خودکنترلی پایین، تحمل کمی در برابر ناکامی دارند و به پاسخ‌های درگیرانه، تجاوزگرانه و فیزیکی (و نه زبانی) برای کنترل موقعیت در زمان مواجهه با موقعیت‌ها یا وقایع ناراحت کننده، گرایش دارند. این افراد برای درگیری در فعالیت‌های مجرمانه در سراسر زندگی‌شان، مستعدتر از افرادیاند که خودکنترلی بالا دارند (وینفری، ۱۳۸۸؛ حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰ و گراسمیک و دیگران، ۱۹۹۳). براساس مفروضات نظریه خودکنترلی افراد با هدف کسب لذت و احتراز از رنج، مرتکب جرم می‌شوند؛ گاتفردسون و هیرشی در پاسخ به این سؤال که چرا مردم مرتکب جرم می‌شوند، می‌گویند: پاسخ ساده است، زیرا جرم و فعالیت‌های مشابه ارضاء کننده‌اند (پرت و کالن، ۲۰۰۰: ۹۳۱). افرادی که درگیر جرائم هستند، در رفتارهای مشابهی نیز دخالت دارند که موجب التذاذ کوتاه مدت می‌شود؛ سیگار کشیدن، مشروب خوردن، قماربازی، روابط جنسی غیرمسئولانه و رانندگی با سرعت غیرمجاز، نمونه‌هایی از رفتارهای پرخطر مشابهی هستند که در افراد مجرم که به دنبال لذت آنی هستند، بروز می‌کند. این نظریه پردازان همچنین معتقدند جرم موجود ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضای خاطر سریع است و هدف‌های کوتاه‌مدتی در زندگی دارد و اینگونه افراد، برخلاف هم‌نویان، خودکنترلی ضعیفی دارند و علاوه بر اینکه احتمال کج رفتاریشان بیشتر است، تمایل بیشتری به مصرف الکل، سیگار و ... نیز دارند. از نظر آنان، منشأ خودکنترلی ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد (گاتفردسون و هیرشی، ۹۰-۹۷: ۱۹۹۰ و حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

نظریه خودکنترلی، بیان می‌کند که فقدان خودکنترلی برای بروز جرم شرط کافی و لازم نیست؛ زیرا، دیگر ویژگی‌های فرد، یا موقعیت وی، ممکن است احتمال بروز رفتار انحرافی در وی را کاهش دهد (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۵۳). این نظریه پردازان به طور ضمنی اظهار داشته‌اند: مقصود این نیست که اینها نوع خاصی از فعالیت را پیش‌بینی کند، چون رفتار منحرفانه، ماهیتاً فرصت طلبانه است، بنابراین، هرگاه تمام امور دیگر مساوی باشد، خودکنترلی پایین و پیوند ضعیف با جامعه به طور مثبت و معنیدار، انواع رفتارهای منحرف و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند (پولاکاوسکی، ۱۹۹۴: ۶۲). فقدان خودکنترلی و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه، این امر شرایطی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند. گاتفردسون و هیرشی، نقش والدین را به عنوان اساسی‌ترین منبع تربیت کودکان بیان می‌کنند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷). آنچه بر رفتار انحرافی تأثیر مستقیم دارد، جنسیت، نژاد، یا سن یک فرد نیست، بلکه این عوامل به طور غیرمستقیم بر میزان اجتماع‌شدن فرد توسط والدین اثر می‌گذارند. با این حال، رابطه سن و جرم نشان داده است که برای برخی از جرایم، متغیر سن ممکن است نتیجه مستقیم فقدان خودکنترلی باشد (گرینبرگ، ۱۹۹۴: ۳۷۲).

### نظریه فعالیت‌های روزمره

این نظریه را برای اولین بار لورنس کوهن و مارکوس فلسون برای توضیح افزایش نرخ جرائم در سال‌های ۱۹۷۰ مطرح کردند (سیگل و براون، ۲۰۱۰). این نظریه، ترمیم و ویرایش مکتب کلاسیک جرم‌شناسی است (مقیم و همکاران، ۱۳۹۰). نظریه

فعالیت‌های روزمره ادعا می‌کند انسان‌ها به طور عقلانی، کنش نشان می‌دهند و مرتکب جرم می‌شوند. متخلفان بانگیزه، درباره منفعت و ضرر عمل خود می‌اندیشند و سعی در به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن زیان خود دارند و با توجه به این امر، هدف‌های مناسبی را جستجو می‌کنند که بدون محافظان توانمند هستند (وانگ، ۲۰۰۲). در بیشتر دیدگاه‌های جرم‌شناسی تنها به عوامل فردی و دلایل تمایل بیشتر به انحراف در برخی افراد و گرایش کمتر برخی به رفتارهای انحرافی توجه شده است. اغلب از تأثیر محیط در رفتار، یعنی ویژگی‌های مهم محیطی، که فرد را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق می‌دهد، غفلت می‌شود. برخلاف بیشتر نظریه‌ها و دیدگاه‌های جرم‌شناسی که بر شخصیت فردی مجرمان تمرکز می‌کنند نظریه فعالیت‌های روزمره، زمینه‌های محیطی‌ای را می‌آزماید که جرائم در آنها رخ می‌دهند. بر اساس این نظریه، افرادی که ما با آنها کنش متقابل داریم، مکانی که در آن عبور و مرور می‌کنیم و فعالیت‌هایی که درگیر آن هستیم، در احتمال و توزیع رفتارهای مجرمانه تأثیر می‌گذارد (برایک، ۲۰۱۴). و کوهن و فلسون معتقدند جرم، باید یک رویداد در نظر گرفته شود که در موقعیت و زمان خاصی روی می‌دهد و افراد و یا اشیاء خاص را درگیر می‌کند (میلر، ۲۰۰۹). کسی بدون فراهم کردن لوازم و اسباب محیطی بزهکاری، نمی‌تواند مرتکب جرم شود، حتی اگر تمایل ارتکاب بزه در او وجود داشته باشد؛ از این رو، فرصت، شرط ضروری و عامل بروز جرایم است (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸: ۴). اگرچه رابطه برخی از عناصر وقایع مجرمانه در فضا و زمان با نظریه‌های پیشین مثل نظریه‌های بوم‌شناختی و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و دیگران، تشخیص داده شده است؛ کوهن و فلسون صرفاً جنبه‌های محیطی-اجتماعی وقایع مجرمانه را تعریف نکرده‌اند، بلکه با تمرکز بر فعالیت‌های روزمره، مدلی با قدرت تبیینی بالا برای توضیح ماهیت بوم‌شناختی جرم عرضه کردند (میلر، ۲۰۱۴). نظریه فعالیت‌های روزمره، از نظریه آموس هاولی (۱۹۵۰) سرچشمه می‌گیرد. نظریه بوم‌شناسی انسانی، جنبه‌های زمانی رفتار انسان در محیط جامعه را بررسی می‌کند. هاول، سه جنبه کلیدی فعالیت‌های جمعی انسانی را شناسایی کرد. ریتم (رخداد مجدد طبیعی وقایع) (سرعت تعداد وقایع) در یک دوره معین از زمان و زمان بندی (هماهنگی و تقاطع رفتار در محیط) (برایک، ۲۰۱۴ و کوهن و فلسون، ۱۹۷۹) هاولی سرشت فعالیت‌های عادی را بخشی اساسی از زندگی روزمره می‌داند. فعالیت عادی به معنای فعالیت‌های روزمره است که برای برآوردن نیازهای پایه‌ای و اساسی انجام می‌شود مثال‌های آن شامل کار رسمی، دنبال تفریح بودن، محل سکونت یافتن، تربیت فرزند، خرید و خواب، اوقات فراغت و کنش متقابل اجتماعی است. این فعالیت‌های روزمره ممکن است ۱- در منزل، ۲- در مشاغل دور از خانه و ۳- سایر فعالیت‌های دور از خانه رخ بدهد.

زمانی که تغییر اجتماعی، مانع این فعالیت‌های عادی می‌شود یا آن را تغییر می‌دهد، نابسامانی اجتماعی ممکن است روی دهد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۲۶۳). (کوهن و فلسون، با توجه به این اصول، نظریه فعالیت‌های روزمره را چشم‌اندازی بوم‌شناختی بر رفتارهای مجرمانه معرفی کردند. در واقع، رویکرد فعالیت‌های روزمره، تحلیل‌های جرم‌شناسی بی‌ارتباط به یکدیگر و گوناگون گذشته را در چارچوب واحد مستقلی جمع کرد.

آنها در این نظریه بیان کردند که احتمال وقوع جرم در زمان، با جابه‌جایی مردم در حین انجام فعالیت‌های روزمره هر روزشان تغییر می‌کنند؛ یعنی جغرافیای مربوط به این فعالیت‌ها کمک می‌کنند ویژگی‌های مربوط به آسیب‌پذیری قربانی و انگیزه متخلف معلوم شود. همچنین نظریه فعالیت‌های روزمره معتقد است جرم در بستر فعالیت‌های معمولی روزمره و به طرز نسبتاً فوری اتفاق می‌افتد که احتمالاً برای مجرم، فضای آشنا یا عادی است (برینسما، ۲۰۱۴). کوهن و فلسون به مسأله تغییرات در جامعه به ویژه تغییراتی توجه می‌کردند که به نابسامانی اجتماعی منجر می‌شود. آنها بیان می‌کنند که چگونه تغییرات شرایط اجتماعی، فرصت وقوع جرم را تغییر می‌دهد؛ مثلاً با توسعه تکنولوژی در گذر زمان، خیلی از کالاها ارزشمند، مثل تلویزیون، کامپیوتر از نظر اندازه و حجم، کم شده‌اند و سرعت آن‌ها بسیار آسان‌تر از گذشته شده است. از بعد دیگر نیز توسعه وسایل الکترونیکی از قبیل دوربین‌های مداربسته موجب اقدام‌های پیشگیرانه و کاهش وقایع مجرمانه شده‌اند؛ به عنوان مثال، زمانی که دوربین‌های مداربسته برای کنترل سه پارکینگ در دانشگاه سوری استفاده شد، بزهکاری نه تنها در این پارکینگ‌ها؛ در پارکینگ‌های دیگر که با این دوربین‌ها



کنترل نمی‌شدند، نیز کاهش یافت. همچنین زمانی که به کتاب‌های کتابخانه دانشگاه ویسکانسین، برچسب‌های الکترونیکی زده شد که با خروج بدون اجازه کتاب‌ها، زنگ هشدار به صدا در می‌آمد، نه تنها سرقت کتاب‌ها؛ دزدی نوارهای ویدئویی و سایر کالاهایی که چنین برچسب‌هایی نداشت نیز کاهش یافت (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸).

در این نظریه، کوهن و فلسون بیان می‌کنند حجم و توزیع جرایم غارتگرانه (جرایم شدید علیه یک شخص و جرایمی که در آن یک متجاوز برای دزدیدن مستقیم یک شیء تلاش می‌کند) به طور نزدیکی با اثر متقابل سه متغیر: ۱- فراهم بودن هدف‌های مناسب ۲- نبودن نگهداران توانمند و ۳- حضور متخلفان با انگیزه، مرتبط است. حضور این مؤلفه‌ها، احتمال وقوع جرایم غارتگر را افزایش می‌دهد.

الف) هدف مناسب: منظور از هدف مناسب این است که برای مجرم بالقوه باید چیزی با ارزش وجود داشته باشد که ممکن است اموال جذاب و یا روزنه‌های برای فعالیت‌های احساسی رضایت بخش از قبیل بیان خشم و نفرت، پیگیری هیجان و با انجام فعالیت‌های جنسی و سایر مؤلفه‌ها باشد (برون، ۲۰۱۰).

ب) متخلفان با انگیزه: درباره متخلفان با انگیزه، کوهن و فلسون توضیح می‌دهند که وقوع هر جرم و جنایت موفق، حداقل نیازمند مجرمی است که برای ارتکاب جرم، انگیزه ای دارد و به این انگیزه کنش نشان می‌دهد. متخلف با انگیزه، شخصی است که در صورت فراهم بودن فرصت با نبود نگهداران و وجود هدف مناسب، به ارتکاب جرم تمایل دارد (مارکوم، ۲۰۱۰).

ج) نبود نگهداران توانمند: منظور از نبود نگهداران توانمند این است که به افراد و نه سایر عوامل حضور ندارند که از اموال و یا از افراد آسیب پذیر محافظت کنند. نگهداران توانمند نیز مفهومی گسترده است که پژوهشگران در شکل‌های مختلف و متنوع، آن را مطالعه و تفسیر کرده‌اند. شکل‌های رسمی آن، از قبیل پلیس و سایر شکل‌های قانون، نمادی شناخته شده از محافظت در برابر جرم و جنایت و قربانی شدن است. در شکل غیر رسمی آن، نگهداران توانمند، شخص غیر نظامی نیز می‌تواند باشد؛ یعنی سایر افراد جامعه با حضورشان با درجه مسئولیت نگهدارانی شان ممکن است مانع وقوع جرم شوند (رینز، ۲۰۱۱). وقتی این شرایط، در فضا و زمان، همگرا می‌شوند، احتمال دارد جرم رخ دهد و در مقابل، نبود هر یک از این شرایط، وقوع جرم و جنایت را کاهش می‌دهد. در واقع، نظر به فعالیت‌های روزمره، درباره احتمال رفتار مجرمانه بحث می‌کنند و ادعای قطعی درباره زمان وقوع جرم و جنایت ارائه نمی‌کند (برانیک، ۲۰۱۴). این سه فرضیه اغلب با نام «مثلث جرم‌تیز شناخته می‌شوند» (میلر، ۲۰۰۹).

### ارتباط نظریه فعالیت‌های روزمره با نظریه کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی و کاربست آن در بررسی کجروی نوجوانان دختر

نظریه فعالیت‌های روزمره به نوعی با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و نظریه یادگیری اجتماعی مرتبط است. نظریه پردازان فعالیت‌های روزمره با این استدلال که روند افزایش نرخ جرم و جنایت به پراکندگی بستر فعالیت‌های دور از خانواده و افزایش یافتن زمان گذرانده شده با همسالان، به ویژه در فعالیت‌های نظارت‌نشده مرتبط است، نظریه کنترل اجتماعی را گسترش دادند. نظریه فلسون مبنی بر اینکه یک شخص ممکن است که با حضورش در یک مکان، شخص متخلف را منحرف کند یا اینکه ممکن است به دلیل رابطهاش با شخص مجرم، مانع تخلف او شود، با نظریه کنترل اجتماعی و این ایده که کنترل، عنصر حیاتی در روند نرخ جرم و جنایت است، انطباق دارد (میرو، ۲۰۱۴). برحسب هر دو نظریه کنترل اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، زمان گذرانده شده با خانواده به کاهش کجروی منجر می‌شود. مشاهده کاهش زمانی که نوجوانان اوقاتشان را در خانواده‌ها و محیط خانه می‌گذرانند و افزایش زمانی که در محیط نوجوانان می‌گذرانند، به صورت شواهد کاهش کنترل اجتماعی مشاهده می‌شود که پدر و مادر بر نوجوانان اعمال می‌کنند. همچنین کنش اجتماعی متقابل روزمره، در خانواده به این گرایش دارد که سرپیچی از هنجارهای اجتماعی را محدود کند، در حالیکه هر یک از فرایندهای اجتماعی که نسبت زمان گذرانده شده با همسالان را افزایش دهند. این

دیدگاه موقعیتی به کجروی، با نظریات هیرشی منطبق است؛ زیرا بر انگیزه‌هایی برای انجام کجروی تمرکز نمی‌کند و بیشتر بر فرصت‌هایی متمرکز است که در زندگی روزمره، برای کجروی فراهم می‌شود (بارنز و همکاران، ۶۹۸-۶۹۹: ۲۰۰۶). در چارچوب نظریه یادگیری اجتماعی نیز ارتباط بین تخلف و دوستان کجرو (کجرفتار) دیده شده‌است که فرض می‌کند دوستان منحرف با انتقال دادن و تقویت کردن هنجارهای کجرو، چشم پوشیدن و تشویق کردن رفتار هنجارشکن، در نوجوانان اثر می‌گذارند. نوجوانانی که اغلب اوقات فراغت خود را با دوستانشان سپری می‌کنند، به دلیل ارائه راحت‌تر تخلف و تشویق بیشتر دوستان، ریسک کجروی بیشتری دارند. همچنین این دوستان بیشتر به صورت الگوهای نقش، انتقال‌دهنده ارزش‌های کجروی و مشوق (پاداش دهنده) رفتار آنها عمل می‌کنند. نظریه فعالیت‌های روزمره تأکید می‌کند که گذراندن زمان در فعالیت‌های روزمره ساخت نیافته با دوستان، در نبود چهره‌های مقتدر، ریسک کجروی را افزایش می‌دهد؛ زیرا نوجوانان اغلب خودشان را در شرایطی می‌یابند که ریسک کجروی را افزایش می‌دهد. نبود چهره‌های مقتدر، سطح کنترل اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین فرض می‌شود افزایش مدت‌زمانی که جوانان با دوستان کجرفتار خود در فعالیت‌های روزمره ساخت نیافته می‌گذرانند، به دلیل نبود کنترل اجتماعی عمل کردن دوستان کجرفتار به صورت الگوهای نقش و کمک‌کردن به مشروع کردن، توجیه کردن و تأیید رفتارهای کجرو، موجب افزایش ریسک کجروی می‌شود (سونسون، ۲۰۱۰: ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۱۱). به طور کلی، می‌توان گفت موقعیت‌هایی که به کجروی منجر می‌شوند، به طور ویژه در فعالیت‌های جامعه‌پذیری ساخت نیافته با همسالان و در نبود چهره‌های مقتدر رخ می‌دهد. نبود ساختار، زمان در دسترس را برای کجروی فراهم می‌کند. حضور همسالان، مشارکت در کنش‌های کجرو را آسان‌تر می‌کند و به ترغیب بیشتر آنها منجر می‌شود و نبود چهره‌های مقتدر، پتانسیل پاسخ‌های کنترل اجتماعی به کجروی را کاهش می‌دهد (ازگود، ۱۹۹۶: ۶۵۱).

### جمع‌بندی و نقد پیشینه پژوهش

امروزه در جامعه ما کجروی و ابعاد گسترده آن در سنین مختلف به مسئله اجتماعی پیچیده تبدیل شده‌است. به طور کلی، می‌توان گفت که اکثر محققان در حوزه کجروی، گویی یک مفروض اصلی و مشترک دارند و آن موضوع کجروی است که یک مسئله اجتماعی و در شدیدترین حالت یک بحران در بین نمونه‌های مختلف دانش‌آموزان و حتی دانشجویان در تحقیقات داخلی و خارجی در نظر گرفته شده‌است. باید توجه داشت که فزونی ارقام و جداول نمی‌تواند بر یک متن اعتبار دهد، مگر آنکه اولاً دقت در آمارها وجود داشته باشد، ثانیاً تبیین جامعه‌شناختی به دنبال آن باشد. این در حالی است که برخی تحقیقات موجود فاقد چنین تبیین‌هایی هستند و تنها به ارائه آمارها و ارقام بسنده کرده و یا در بهترین حالت، علل و پیامدهای کجروی را در چارچوب‌های کلیشه‌ای ارائه داده‌اند. البته باید اذعان داشت که منابع و مراجع آماری در ایران بسیار ضعیف عمل می‌کنند و متعددند، لذا فقدان داده‌های خام و آمارهای دقیق از معضلات و مشکلات پیش روی محققان است که در این حوزه می‌اندیشد و می‌نویسد. نکته دیگری که جای تأمل دارد، آن است که در هیچیک از پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور، علل مؤثر بر کجروی نوجوانان دختر (۱۳-۱۵ سال) با تکیه بر تلفیق نظریه‌های عمومی جرم و فعالیت روزمره، تاکنون مورد توجه محققان قرار نگرفته است.

از آنجایی که اکثر پژوهش‌های انجام شده عموماً به بررسی علل رفتارهای انحرافی، انواع جرم، بزهکاری و... در جوانان، دانشجویان و یا نوجوانان (دانش‌آموزان مقطع دبیرستان) پسر و دختر پرداختند و کجروی نوجوانان دختر (۱۳-۱۵ سال) به طور اختصاصی بررسی نشده و با عنایت به نیاز مبرم جامعه ایران و به خصوص شهر سنتی و مهاجرپذیری همچون فیروزکوه که ترکیب جمعیتی متنوعی دارد، ضرورت پژوهشی که علل اجتماعی مؤثر بر کجروی دختران نوجوان را نیز جستجو نماید، امری لازم است

تا به یاری مسئولان، تصمیمگیران، مشاوران و درمانگران بیاید و در نهایت بتوان از آسیب‌هایی که دانش‌آموزان دختر و به تبع آن خانواده‌های آنان تجربه می‌کنند، جلوگیری کرد یا از میزان آنها کاست.

### فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین شتابزدگی و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین راحت طلبی و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین خطرپذیری و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین خودمحوری و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین ابراز خشم و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد کجروی نوجوانان دختر، تابع مثبتی از شدت پیوستگی با دوستان کجرو (منحرف) است.
- به نظر می‌رسد کجروی نوجوانان دختر، تابعی منفی از میزان گذران اوقات فراغت با خانواده است.
- به نظر می‌رسد بین گذران اوقات فراغت به تنهایی و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان فعالیت‌های ساخت نیافته و کجروی نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد کجروی نوجوانان دختر، تابعی منفی از میزان فعالیت‌های ساخت یافته است.
- به نظر می‌رسد کجروی نوجوانان دختر، تابعی منفی از حضور چهره‌های مقتدر است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه پژوهش را دختران نوجوان ساکن شهر فیروزکوه استان تهران تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر تعیین شد که به دلیل شرایط همگن و متجانس جامعه آماری با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار ۲۴سپس و ۲۴سز در سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور سنجش فرضیات پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. طراحی پرسشنامه با استفاده از روش اعتبار محتوا و اعتبار سازه تعیین شده‌است. همچنین برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج سنجش پایایی مقیاس‌های پژوهش در جدول زیر نشان داده می‌شوند:

جدول ۱: نتایج آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	کجروی دختران نوجوان	۶۴	۹۸۲/۰
۲	خودکنترلی پایین	۲۴	۸۱۴/۰
۳	فعالیت‌های روزمره	۳۶	۸۰۹/۰

پرسشنامه متغیر مستقل دارای ۲ متغیر و ۱۱ مولفه و ۶۰ گویه کلی (جدول ۲ و جدول ۳) و پرسشنامه کجروی دختران نوجوان به عنوان متغیر وابسته دارای ۷ متغیر و ۱۲۴ گویه (جدول ۴) به صورت طیف لیکرت ۵گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) می‌باشد. در فرضیه‌های پژوهش از یازده مفهوم اصلی استفاده شده است که در جداول ذیل ارائه شده است:

جدول ۲: ابعاد و گویه‌های متغیر مستقل خود کنترلی پایین

گویه‌ها	ابعاد		
من اغلب ناگهانی و بدون مقدمه عمل میکنم، بدون اینکه از قبل به نتیجه کارم فکر کرده باشم.	شتابزدگی	متغیرهای استخراج شده از نظریه عمومی جرم (گاتفردسون وهیرشی)	متغیرهای مستقل
من برای آینده ام فکر و تلاش زیادی نمی کنم.			
من هر کاری را که باعث تفریح و شادی فوراً می شود انجام می دهم، حتی اگر این کارم به قیمت از دست دادن هدف درازمدتم تمام شود.	شتابزدگی		
من بیشتر حواسم به آن چیزهایی است که در آینده نزدیک برایم رخ می دهد تا اینکه دل مشغولی آینده دور را داشته باشم.			
اغلب سعی میکنم که دنبال کارهای سخت نرم.	راحتطلبی		
وقتی که کارها سخت و دشوار می شوند، دلم میخواهد که از آن کارها دست بکشم.			
کارهایی که در زندگی انجامشان از همه راحت تر است، بیشترین لذت را برایم دارند.			
از کارهایی که از من انرژی فکری واقعاً زیادی میبرد متنفرم.			
من بعضی وقت ها خودم را با انجام کاری که کمی خطرناک است امتحان میکنم.	خطرپذیری		
گاهی اوقات دست به کارهای خطرناکی می زنم، آن هم به خاطر لذتی که دارد.			
برای من گاهی اوقات انجام کارهایی که می تواند دردسر درست کند، لذتبخش و هیجان انگیز است.			
برای من ماجراجویی و کارهای مهیج از احساس امنیت مهم تر است.			
چندین بار پیش آمده که خطر کردهام و کارهای خطرناکی را انجام دادهام.			
به نظرم انجام کارها بدون احساس خطر، بسیار یکنواخت است.			
به نظرم شوقی که در انجام کارهای هیجان انگیز هست، در هیچ کار دیگری وجود ندارد.			
به نظرم، من نسبت به اکثر آدم‌های همسن و سال خودم، ماجراجوتر هستم.			
من سعی میکنم که اول از همه حواسم به خودم باشد، حتی اگر این اخلاقم شرایط را برای دیگران سخت و دشوار کند.		خود محوری	
من خیلی برای کسانی که دچار گرفتاری هستند دلم نمی سوزد.			
اگر اوضاع و شرایط باعث ناراحتی دیگران میشود، این مشکل خودشان است نه اینکه مشکل من باشد.			
من برای به دست آوردن آن چیزهایی که می خواهم مصمم هستم، حتی وقتی که میدانم این کارم برای دیگران دردسر درست می کند.			
من خیلی زود از کوره در می روم.	ابراز خشم		

اغلب وقتی که از دست دیگران عصبانی ام، دلم می‌خواهد به آنها آسیب بزنم نه اینکه درباره دلیل عصبانیتم با آنها صحبت کنم.			
وقتی که من عصبانیم، بهتر است کسی به من نزدیک نشود.			
وقتی که با کسی اختلاف نظر جدی داشته باشم، معمولاً برایم سخت است که با آرامش و بدون اینکه عصبانی شوم در مورد اختلاف نظرمان با او حرف بزنم.			

جدول ۳: ابعاد و گویه‌های متغیر مستقل فعالیت روزمره

گوییها	ابعاد		
با دوستانی که سیگار، ویپ و قلیان مصرف می‌کنند، ارتباط دارم.	شدت پیوستگی با دوستان کجرو (منحرف)	متغیرهای استخراج شده از نظریه فعالیت‌های روزمره (مارکوس کی فیلسون و لارنس کوهن)	متغیرهای مستقل
با دوستانی که مواد مخدر (گل، علف، حشیش و...) یا روانگردان مصرف میکنند، ارتباط دارم.			
با دوستانی که مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و...) مصرف می‌کنند، ارتباط دارم.			
با دوستانی که به وسایل مدرسه آسیب می‌زنند و یا روی دیوارها، صندلی‌ها و ... می‌نویسند ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که پول یا وسایل اطرافیان را بدون اجازه از آنها برمی‌دارند ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که از کتاب، مقاله و سایت‌های اینترنتی در انجام تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی بدون ارجاع (رفرنس) دادن به آنها استفاده میکنند ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که در سر جلسه امتحان تقلب میکنند، ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که نسبت به اطرافیان فحاشی می‌کنند یا دیگران را به کتک زدن تهدید می‌کنند، ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که درگیری فیزیکی با همکلاسی‌ها و هم مدرس‌های‌ها دارند، ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که رابطه جنسی با جنس مخالف دارند، ارتباط نزدیکی دارم.			
با دوستانی که رابطه جنسی با همجنس خود دارند، ارتباط نزدیکی دارم.	فعالیت‌های ساخت نیافته		
دوستانم را در فضاهای غیررسمی (غیر از محیط درس) ملاقات می‌کنم.			
با دوستانم برای تفریح و سرگرمی به خیابان می‌روم.			
با دوستانم به سینما می‌روم.			
با دوستانم به پارتی و یا مهمانی‌های دوستانه (غیر خانوادگی) می‌روم.	فعالیت‌های ساختیافته		
بر سر قرارهای عاشقانه می‌روم.			
در فعالیت‌های علمی مدرسه که به صورت گروهی برگزار می‌شود (جشنواره‌ها و مسابقات علمی) مشارکت می‌کنم.			
در انجمن‌های ادبی (کلاس‌های داستان نویسی و شعر و...) فعالیت می‌کنم.			

در انجمن های مذهبی (هیئت های مذهبی، مساجد و...) شرکت و فعالیت می کنم.			
در تشکل های سیاسی (نیروی بسیج و...) فعالیت می کنم.			
در فعالیت های ورزشی مشارکت می کنم.			
در زمان اوقات فراغت کارهای هنری یا کارهای دستی انجام می دهم.	گذران اوقات فراغت به تنهایی		
در زمان اوقات فراغت به خرید می روم.			
در زمان اوقات فراغت تلویزیون تماشا می کنم.			
در زمان اوقات فراغت زمان استراحت خود را به تنهایی می گذرانم.			
در زمان اوقات فراغت روزنامه، کتاب یا مجله مطالعه می کنم.	گذران اوقات فراغت با خانواده		
در زمان اوقات فراغت زمان زیادی را در فضای مجازی می گذرانم.			
در اکثر جشن ها و مهمانی های خانوادگی شرکت می کنم.			
در روزهای تعطیل، اکثر زمانم را با خانواده (نه دوستان) می گذرانم.			
اکثر موارد با خانواده، به قصد تفریح کارهایی انجام می دهم و به مکان هایی می روم.	حضور چهره های مقتدر		
اکثر وعده های غذایی (نهار و شام) را با خانواده و در کنار آنها می خورم.			
خانواده ام در خصوص اینکه در چه روزهایی کلاس خصوصی (درسی و متفرقه) دارم، اطلاع دارند.			
خانواده ام در خصوص ساعت کلاس هایم، اطلاع دارند.			
خانواده ام کسانی را که با آنها مراوده دارم (نشست و درخواست می کنم) می شناسند.			
خانواده ام در خصوص اینکه در طول هفته چه فعالیت هایی انجام می دهم، اطلاع دقیق دارند.			
وقتی به بیرون از منزل می روم، خانواده ام میدانند کجا هستم.			

جدول ۴: ابعاد و گویه های متغیر وابسته کجروی دختران نوجوان

متغیر وابسته پژوهش	کجروی نوجوانان دختر	متغیر	ابعاد	گویه
		تقلب درسی (محقق ساخته)	تقلب درسی حضوری	نگاه کردن به برگه امتحانی بغل دستی - استفاده از روش های مختلف در زمان امتحان حضوری (مانند عوض کردن برگه امتحانی، همراه داشتن پاسخ ها به صورت کاغذ)
			تقلب درسی مجازی	دریافت و ارسال پاسخ ها به صورت مجازی - امتحان دادن به جای همکلاسی ها هنگام آزمون مجازی
	پرخاشگری (سراج زاده، ۱۳۸۲)	فیزیکی (سراج زاده، ۱۳۸۲)	دعوا گرفتن با زد و خورد - زخمی کردن خود	
		کلامی (حقق ساخته)	ایستادن در مقابل معلم و مسئولان مدرسه - استفاده از کلمات ناپسند در زمان ناراحتی	
	وندالیسم	خرابکاری های درون	لذت بردن از خراب کردن وسایل دیگران - علاقه به	

آسیب زدن به وسایل مدرسه	مدرس‌های (محقق ساخته)	(علی وردی نیا و یونسی، ۱۳۹۴ و عباسی اسفجیر و تقوی، ۱۳۹۵)
خراب کردن چمن‌ها و گل‌های پارک - ریختن زباله در خیابان	طبیعت آزاری (عباسی اسفجیر و تقوی، ۱۳۹۵)	
عدم باور به همزیستی با خانواده - تفکری متفاوت داشتن نسبت به عرف	ذهنی (محقق ساخته)	کجروی فرهنگی (سراج‌زاده، ۱۳۸۲) و عباسی اسفجیر و تقوی، ۱۳۹۵)
بر خلاف عرف لباس پوشیدن - گویشی خلاف عرف غالب - اخطار گرفتن از مدرسه به خاطر پوشش - اخطار گرفتن از مسئولین مدرسه به خاطر عدم رعایت قوانین مدرسه	عینی (سراج‌زاده، ۱۳۸۲)	
داشتن رابطه جنسی با همجنس تمایل جنسی داشتن به همجنس	همجنس خواهانه	کجروی جنسی (محقق ساخته)
داشتن رابطه جنسی با جنس مخالف	دگر جنس خواهانه	
داشتن تمایل جنسی به هر دو جنس	دوجنس خواهانه	
داشتن تمایل به رابطه جنسی گروهی و آزادانه	روابط جنسی چند نفره	
ارضاء میل جنسی با دست	خود ارضایی	
نماز نخواندن - روزه نگرفتن - عدم باور به غسل حیض و نجاست	عینی	کجروی دینی (محقق ساخته)
عدم باور به خدا - تشکیک در جهان پس از مرگ - عدم باور به روح	ذهنی	
مصرف عرق و شراب - مصرف سیگار الکترونیکی یا ویپ - مصرف ماری جوانا (گل، حشیش یا علف - مصرف داروهای مسکن) ترامادول یا متادون - مصرف انواع قرص اکس	مصرف مواد مخدر نوپدید	کجروی نوپدید (محقق ساخته)
کلمات جنسی به زبان آوردن	به کارگیری واژگان نامناسب	
ارضاء از طریق چت متنی، صوتی و تصویری	سکس چت	
دوست جنس مخالف داشتن بدون آنکه او را ببیند	روابط عاشقانه مجازی	
ارسال عکسهای نیمه لخت و لخت - ارسال عکس از اندامهای خصوصی	نشر تصاویر خصوصی	
آشنایی با پورن استارهای زن و مرد - دانستن نام آنها - دانستن نام سایت‌ها	تماشای فیلمها و تصاویر پورن	
صرف وقت زیاد در تلگرام و واتس آپ و اینستاگرام و ...	اعتیاد مجازی	

### یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، از مجموع ۴۰۰ نوجوان دختر (دانش آموز ۱۳-۱۵ سال)، ۳۳ درصد (۱۳۲ نفر) از پاسخگویان ۱۳ سال، ۸/۳۳ درصد (۱۳۵ نفر) از پاسخگویان ۱۴ سال و ۸/۳۲ درصد (۱۳۱ نفر) از پاسخگویان نیز ۱۵ سال دارند. ۴۴ درصد (۱۷۶ نفر) از پاسخگویان تک‌فرزند خانواده و ۵۶ درصد (۲۲۴ نفر) پاسخگویان نیز تک‌فرزند خانواده هستند. ۴۴ درصد (۱۷۶ نفر) از پاسخگویان فرزند اول، ۴۶ درصد (۱۸۴ نفر) از پاسخگویان فرزند دوم، ۸/۹ درصد (۳۹ نفر) فرزند سوم و ۳ درصد (۱ نفر) از پاسخگویان نیز فرزند چهارم خانواده هستند.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر اصلی پژوهش

متغیر وابسته: کجروی در دختران نوجوان				نتیجه	متغیر مستقل
ضریب همبستگی	سطح معناداری	نوع آزمون	قبول		
۴۵۸/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	شتابزدگی	
۵۲۱/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	راحت طلبی	
۶۴۰/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	خطرپذیری	
۶۱۸/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	خودمحوری	
۴۷۰/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	ابراز خشم	
۳۹۰/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	شدت پیوستگی با دوستان کجرو	
۴۰۱/۰-	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	گذران اوقات فراغت با خانواده	
۳۵۸/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	گذران اوقات فراغت به تنهایی	
۴۳۲/۰	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	فعالیت‌های ساخت نیافته	
۴۲۰/۰-	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	فعالیت‌های ساخت یافته	
۳۲۱/۰-	۰۰۰/۰	پیرسون	قبول	حضور چهره‌های مقتدر	

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین همه متغیرها، یعنی بین متغیرهای مستقل پژوهش که عبارتند از شتابزدگی، راح طلبی، خطرپذیری، خودمحوری، ابرازخشم، شدت پیوستگی با دوستان کجرو (منحرف)، فعالیت‌های ساختنیافته، فعالیت‌های ساختنیافته، گذران اوقات فراغت به تنهایی، گذران اوقات فراغت با خانواده و حضور چهره‌های مقتدر با کجروی نوجوانان دختر رابطه معنی‌داری وجود دارد (جدول ۵). اما دو متغیر مستقل خطرپذیری (۶۴۰/۰) و خودمحوری (۶۱۸/۰) همبستگی قوی و مثبتی با متغیر کجروی نوجوانان دختر دارند.

جدول ۶: خلاصه رگرسیون چند متغیره

ث	ث	اشتباه استاندارد شده	ب	سطح معناداری	استقلال خطاها
۹۶۴/۰	۹۳۰/۰	۴۸/۴	۴۷۵/۶۱۶	۰۰۰/۰	۱.۷۳۹

در جدول فوق، مقدار ضریب همبستگی چندگانه (ث) ابعاد شدت پیوستگی با دوستان منحرف، فعالیت‌های ساخت نیافته، فعالیت‌های ساختنیافته، گذران اوقات فراغت به تنهایی، گذران اوقات فراغت با خانواده، حضور چهره‌های مقتدر، شتابزدگی، راح‌طلبی، خطرپذیری، خودمحوری، ابراز خشم با متغیر کجروی دختران نوجوان و مقدار برآورد شده آن تحت مدل رگرسیونی



نهایی، معادل (۹۶۴/۰) می‌باشد. مقدار ضریب تعیین (ث) در مدل نهایی برابر با (۹۳۰/۰) بوده‌است. به نظر می‌رسد که مدل رگرسیونی مناسب است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با (۹۲۸/۰) شده‌است که این به این معناست که متغیرهای مستقل یعنی ابعاد فعالیت‌های روزمره (شدت پیوستگی با دوستان منحرف، فعالیت‌های ساخت نیافته، فعالیت‌های ساختنیافته، گذران اوقات فراغت به تنهایی، گذران اوقات فراغت با خانواده و حضور چهره‌های مقتدر) و ابعاد خودکنترلی پایین (شتابزدگی، راحت‌طلبی، خطرپذیری، خودمحوری، ابراز خشم) با هم ۹۲ درصد واریانس (تغییرات) متغیر کجروی نوجوانان دختر را پیشینی کرده‌است.

جدول ۷: جدول برآورد ضرایب مدل نهایی رگرسیون خطی متغیرهای پژوهش

شاخص دندش	ضریب تحمل	سطح معناداری	آزمون t	ضرایب	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای وارد شده
				استاندارد	انحراف معیار	۱	
		۰.۰۰۰	۴.۲۶۶		۲.۹۴۶	۱۲.۵۶۸	ش‌حش سؤژا
۱.۵۰۴	۶۶۵.	۰.۰۲۷	۲.۲۲۴	۰.۱۲۷	۰.۰۲۲	۰.۱۴۹	شدت پیوستگی با دوستان کجرو
۱.۶۵۵	۶۰۴.	۰.۰۰۱	۳.۲۴۶	۰.۱۵۷	۰.۰۴۹	۰.۱۵۹	فعالیت‌های ساخت نیافته
۴.۶۱۷	۲۱۷.	۰.۰۰۰	۵.۲۸۶-	۰.۱۵۶-	۰.۶۷-	۰.۳۵۵-	فعالیت‌های ساختنیافته
۳.۶۵۵	۲۷۴.	۰.۰۰۰	۱.۷۷۹	۰.۱۲۰	۰.۱۶۸	۰.۱۳۱	گذران اوقات فراغت به تنهایی
۴.۶۱۵	۲۱۵.	۰.۰۰۰	۵.۲۸۴-	۰.۱۵۴-	۰.۰۶۵-	۰.۳۵۳-	گذران اوقات فراغت با خانواده
۳.۴۸۱	۲۸۷.	۰.۰۰۰	۱.۱۳۹-	۰.۱۰۴-	۰.۱۰۸-	۰.۱۱۵-	حضور چهره‌های مقتدر
۶.۱۷۴	۱۶۲.	۰.۰۰۰	۴.۹۱۷	۰.۱۶۸	۰.۰۹۹	۰.۴۸۷	شتابزدگی
۸.۲۲۴	۱۲۲.	۰.۰۰۰	۶.۴۷۶	۰.۲۵۵	۰.۱۲۶	۰.۸۱۵	راحت طلبی
۹.۰۶۱	۱۱۰.	۰.۰۰۰	۸.۹۵۷	۰.۳۷۰	۰.۱۳۰	۱.۱۶۳	خطرپذیری
۱.۰۳۰	۹۷۱.	۰.۰۰۰	۶.۰۳۹	۰.۳۲۶	۰.۷۹۴	۴.۷۹۵	خودمحوری
۱.۲۱۳	۹۲۵.	۰.۰۰۰	۳.۲۹۹	۰.۱۷۸	۰.۸۰۸	۲.۶۷۷	ابراز خشم

در جدول فوق مقدار (حش‌خا) یا همان ضرایب استاندارد شده برای هر متغیر مستقل گزارش شده‌است. هر چه بتا و تی بزرگتر و سطح معنیداری کوچکتر باشد، بیانگر این است که متغیر مستقل تأثیر بیشتری بر متغیر وابسته دارد. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول فوق نشان می‌دهد که متغیر خطرپذیری (حش‌خا ۳۷۰/۰) با ضریب معنی‌داری (۰۰۰/۰) دارای بیشترین تأثیر بر متغیر کجروی نوجوانان دختر است، زیرا دارای بتا و تی بزرگتر و سطح معنیداری کمتر است. خروجی ضریب تولرانس با ضریب تحمل به این معنی است که اگر این مقدار در بین دامنه ۰ و ۱ قرار بگیرد یعنی متغیرها با یکدیگر همپوشانی ندارند و دارای همبستگی با هم نیستند که در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل با یکدیگر همبستگی نداشته و از هم مستقل‌اند. خروجی ضریب دندش به این معنی است که اگر این شاخص بزرگتر از ۱۰ نباشد یعنی مدل رگرسیونی از مشکل همخطی رنج نمی‌برد، متغیرهای مستقل با یکدیگر همپوشانی ندارند و دارای همبستگی با هم نیستند و مستقل از همانند. که در پژوهش حاضر این ادعا اثبات می‌شود.

### مدلسازی معادلات ساختاری

مدلیابی معادلات ساختاری، تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه همزمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌سازی معادلات ساختاری به لحاظ روش‌شناختی از دقت بالایی برخوردار است زیرا با متغیرهای پنهان به‌عنوان سازه‌هایی برخورد می‌کند که در سنجش آنها خطا

وجود دارد و به لحاظ کاربردی به واقعیت زندگی اجتماعی نزدیک میشود، چرا که در فضایی چندمتغیره امکان تحلیل داده ها را فراهم می آورد (هومن، ۱۳۹۰).

جداول و نمودار زیر شاخص های برازندگی تحلیل معادله ساختاری را نشان می دهد:

جدول ۸: شاخص های برازش مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش

نام شاخص	مقدار قابل قبول	مقدار یافته پژوهش	مطلوبیت
نسبت خیدو ( ) به درجه آزادی	$\chi^2 / Df < 2$	۸۷/۲	تأیید مدل
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (آمٹ پٹ)		۰۶۵/۰	تأیید مدل
شاخص (ث پٹ.ث)		۰۳/۰	تأیید مدل
شاخص نورمشده برازش (بب.ت)		۹۱/۰	تأیید مدل
شاخص برازش تطبیقی (بب.ا)		۹۰۶/۰	تأیید مدل
شاخص نیکویی برازش (بب.ب)		۹۳۰/۰	تأیید مدل
شاخص برازش افزایشی (بب.ب)		۹۲/۰	تأیید مدل

همانطور که در جدول فوق آمده است، شاخص های برازش حاکی از این هستند که مدل معادلات ساختاری مربوط به مؤلفه های متغیر خودکنترلی و فعالیت روزمره به عنوان متغیرهای مستقل متغیر کجروی دختران نوجوان (دانش آموزان دختر ۱۳-۱۵ سال) به عنوان متغیر وابسته، برازش مطلوبی با داده های کلی پژوهش داشته است. در مدل پژوهش مقدار خیدو به درجه آزادی ۸۷/۲ و کوچکتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (PMSE) برابر ۰۶۵/۰ و کمتر از ۰۸/۰ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (X<sup>2</sup>/Df)، برابر با ۹۰۶/۰ در حد بسیار مطلوب قرار دارند. مدل برازش خوبی را نشان داده و مورد تأیید است.

جدول ۹: بار عاملی ابعاد متغیرهای مستقل برازش شده (مبنای ۳/۰)

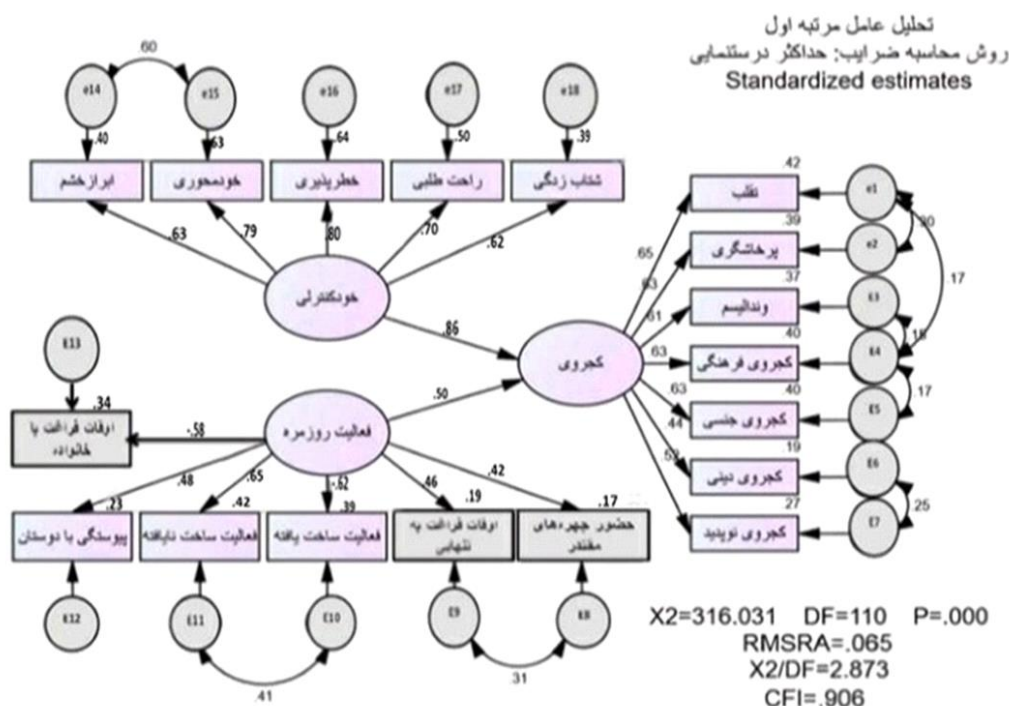
متغیر	بار عاملی	متغیر	بار عاملی
فعالیت های روزمره		خودکنترلی	
شدت پیوستگی با دوستان کجرو	۴۸/۰	شناپذیری	۶۲/۰
فعالیت های ساخت نیافته	۶۵/۰	راحتطلبی	۷۰/۰
فعالیت های ساختنیافته	۶۲/۰-	خطرپذیری	۸۰/۰
گذران اوقات فراغت به تنهایی	۴۴/۰	خودمحوری	۷۹/۰
گذران اوقات فراغت با خانواده	۵۸/۰-	ابرازخشم	۶۳/۰
حضور چهره های مقتدر	۴۲/۰-		

جدول ۱۰: بار عاملی ابعاد متغیر وابسته برازش شده (مبنای ۳/۰)

متغیر	بار عاملی
کجروی نوجوانان دختر	
تقلب	۶۵/۰

۶۳/۰	پرخاشگری
۶۱/۰	وندالیسم
۶۳/۰	کجروی فرهنگی
۶۳/۰	کجروی جنسی
۴۴/۰	کجروی دینی
۵۲/۰	کجروی نوپدید

جداول فوق، بارهای عاملی ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته را بیان می‌کند. نکته حائز اهمیت در خصوص قضاوت در مورد معنیداری مقدار بارعاملی استاندارد شده (بتا استاندارد)، ملاک نظری است. از لحاظ نظری، اگر ضریب مسیری کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، معنیدار تلقی نمی‌شود (لند، ۱۹۶۹ و منصورفر، ۱۳۸۷). بنابراین طبق جداول فوق تمامی ضرایب اثر بار عاملی یا بتا استاندارد معنی‌دار هستند. از طرفی استاندارد بودن ضرایب اثر، امکان مقایسه و قضاوت در مورد سهم متغیرهای پیشین در تبیین متغیر ملاک (کجروی نوجوانان دختر) را نیز به ما می‌دهد. طبق جداول فوق متغیرهای خودکنترلی و فعالیت‌های روزمره به ترتیب ۰/۸۶ درصد و ۰/۵۰ درصد از تغییرات کجروی نوجوانان دختر را پیشینی می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر دو متغیر سهم به‌سزایی در تبیین کجروی نوجوانان دختر برخوردارند.



مدل استاندارد معادله ساختاری پژوهش

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کجروی دختران نوجوان با تکیه بر نظریه‌های خودکنترلی یا تئوری عمومی جرم و نظریه فعالیت‌های روزمره بود. برای توصیف همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون

و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که نتایج نشان داد بین همه متغیرهای مستقل پژوهش که عبارتند از: شدت پیوستگی با دوستان منحرف، فعالیت‌های ساختنیافته، فعالیت‌های ساخت یافته، گذران اوقات فراغت به تنهایی، گذران اوقات فراغت با خانواده، حضور چهره‌های مقتدر، شتابزدگی، راحت طلبی، خطرپذیری، خودمحوری و ابراز خشم رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنی که بهای هر مقدار واحدی که به ابعاد متغیر مستقل پژوهش اضافه یا کم شود، به همان میزان، کجروی دختران نوجوان نیز افزایش و کاهش می‌یابد. همچنین خطرپذیری با ضریب ۰/۶۴۰ و خودمحوری با ضریب ۰/۶۱۸ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته (کجروی دختران نوجوان) داشته‌اند. خروجی رگرسیون چند متغیره نیز بیانگر این نکته است که استقلال خطاها یا باقیمانده خطاها تحت عنوان ضریب دوربین واتسون با (۱/۷۳۹)، استقلال همبستگی داده‌ها و متغیرهای پژوهش را از هم نشان داد. همچنین مدل نهایی رگرسیون خطی متغیرهای پژوهش نشان داد که (۰/۹۲) درصد از تغییرات کجروی دختران نوجوان توسط متغیرهای مستقل یعنی ابعاد متغیر فعالیت روزمره و ابعاد خودکنترلی قابل تبیین است. خروجی ضریب تولرنس و دنج نیز به این معنی است که متغیرها با یکدیگر همپوشانی ندارند و مستقل از هم هستند. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی ( $X^2$ )، برابر با ۰/۹۰۶ در حد بسیار مطلوب قرار دارند. مدل برازش خوبی را نشان داده و مورد تأیید است. نتایج تحلیل معادله ساختاری متغیرهای پژوهش نیز نشان داد که نظریه‌های، خودکنترلی گاتفردسون، و فعالیت روزمره فلسون، تبیین کننده بسیار مؤثری در کجروی دختران نوجوان هستند.

پنج فرضیه اول که بر رابطه معنادار تمام مؤلفه‌های خودکنترلی با کجروی نوجوانان دختر دلالت داشت، اثبات شد. به عبارتی می‌توان گفت تمام مؤلفه‌های خودکنترلی به ترتیب اهمیت: طری‌پذیری، خودمحوری، راحت طلبی، ابراز خشم و شتابزدگی بر کجروی نوجوانان دختر تأثیرگذار بوده‌اند. می‌توان گفت نتایج تحقیقات عباسی اسفجیر (۱۳۸۹)، سلمی و کیویوری (۲۰۰۶)، چیونگ و چیونگ (۲۰۰۸)، چیونگ (۲۰۱۰) و ورا و مون (۲۰۱۳) در راستای این مفهوم که خودکنترلی با کجروی رابطه معنادار دارد، تأیید شد اما همچنین این یافته بر خلاف نتایج حاصل از پژوهش علیوردینیا و یونسی (۱۳۹۳) اثبات کرد که در بررسی کجروی نوجوانان دختر ۱۳-۱۵ سال، دیگر نمی‌توان صرفاً با نگاه جنسیتی و سنی، کجروی را مورد سنجش و تبیین قرار داد. ویژگی‌های دوره نوجوانی و نیازهای خاص نوجوانان دختر در سنین اول متوسطه که عبارتند از: خطرپذیری (قدرت ریسک بالا)، پرخاشگری، خودمحوری، ارتباطات اجتماعی، نیاز به تأیید دیگران، احساس خلأ و تنهایی و حتی بحران هویت سبب بروز رفتارهای گوناگونی است که گاهی با عدم شناخت صحیح والدین و اطرافیان و نبود شرایط لازم جهت برآوردن نیازهای آنان بر میزان گسست نسلی و بروز رفتارهای کجرو افزوده می‌گردد.

براساس مفروضات نظریه عمومی جرم، ارتکاب به جرم و انحراف بستگی به سطح خودکنترلی افراد دارد؛ به طوریکه هر چه قدر سطح خودکنترلی افراد پایتتر باشد تمایل به ارتکاب جرم بیشتر است و بالعکس (پولاکاوسکی، ۱۹۹۴: ۶۲). از آنجا که شیوع کجروی در دختران نوجوان صرفاً تبعات فردی نداشته و پیامدهای آن دامنگیر کل جامعه است، می‌توان به نقش خانواده به عنوان یک متغیر تعیین کننده در افزایش خودکنترلی دختران و به تبع آن کاهش رفتارهای کجرو توجه ویژه نمود. چراکه؛ منشأ خودکنترلی ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه پذیری فرد در دوران کودکی یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد.

بنابراین مدیریت، کنترل و نظارت لازم بر رفتار دختران نوجوان و معاشرت آنها با محیط، دوستان و همسالان از سوی والدین ضروری به نظر می‌رسد. فقدان خودکنترلی و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه، این امر شرایطی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای کجروی مساعد می‌کند (گرسمیک، ۱۹۹۳ و آرنکلو و همکاران، ۱۹۹۳).

فرضیه ششم تا یازدهم که بر رابطه معنادار تمام مؤلفه‌های فعالیت روزمره با کجروی نوجوانان دختر دلالت داشت، اثبات شد. به عبارتی می‌توان گفت تمام مؤلفه‌های فعالیت روزمره به ترتیب اهمیت: فعالیت‌های ساختنیافته، فعالیت‌های ساخت یافته و گذران

اوقات فراغت با خانواده با همبستگی منفی، شدت پیوستگی با دوستان کجرو، گذران اوقات فراغت به تنهایی و حضور چهره‌های مقتدر با همبستگی منفی بر کجروی نوجوانان دختر تأثیرگذار بوده اند.

طبق نظر ازگود و همکارانش، فرصت‌های انحراف ممکن است به طور خاص در جامعه پذیری غیررسمی و نظارت نشده با همسالان به وجود بیاید. از نظر آنها با توجه به اینکه هیچ یک از چهره‌های مقتدر برای اعمال کنترل اجتماعی در پاسخ به کجروی حضور ندارد، چنین موقعیتهایی با همسالان، بیشتر به وقوع کجروی منجر می‌شود. تحقیقات تجربی پیشین (سونسون، ۲۰۱۰، برنس و همکاران ۲۰۰۶، ازگود و همکاران، ۱۹۹۶) نیز رابطه مستقیم و مثبتی میان فعالیت‌های ساخت نیافته و کجروی نشان می‌دهند. به عنوان مثال سونسون و ابرویتلر (۲۰۱۰)، در پژوهشی که انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تأثیر دوستان منحرف در کجروی، به مدت‌زمانی که افراد در فعالیت‌های روزمره ساختنیافته می‌گذرانند بستگی دارد، البته نمونه بررسی در این پژوهش جوانان سوئد و آلمان بود. همچنین یافته این پژوهش، نتایج حاصل از تحقیقات ایوانسان و لانگزل (۲۰۰۶) را تأیید می‌کند. طبق پژوهش آنها، اگر جوانان مدت‌زمان زیادی را در فعالیت‌های روزمره ساخت نیافته بگذرانند، بیشتر در رفتارهای انحرافی (کجروی) مشارکت می‌کنند. یافته پژوهش حاضر، رابطه معنادار منفی بین فعالیت‌های ساختنیافته و کجروی را اثبات نمود. و این یافته با نتایج پژوهش (عل وردی نیا و یونسی، ۱۳۹۳) و (لانگزل، ۲۰۰۸ و ازگود و همکاران (۱۹۹۶) متناقض بود. چراکه، به اعتقاد هیرشی فعالیت‌های اوقات فراغت ساخت یافته از قبیل مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، به طور بالقوه منابعی را می‌تواند فراهم کند که انحراف را امکان پذیر کند و به طور غیرمستقیم با توسعه دادن شبکه‌های دوستی، دور نگه داشتن شخص از خانه در ساعت‌های پایانی و غیره به جامعه پذیری نظارت نشده و ساخت نیافته تر منجر شود (برنس و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۴۱).

همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاضر، تأثیر منفی گذراندن اوقات فراغت با خانواده را در کجروی نوجوان دختر اثبات نمود. طبق نظریه فعالیت‌های روزمره، زمان گذرانده شده با خانواده باید به کاهش رفتارهای انحرافی (کجروی) منتج شود. فرض می‌شود زمان گذرانده شده با خانواده همانند سپر محافظی در مقابل تأثیرات منفی زمان گذرانده شده با همسالان است (برنس و همکاران، ۶۹۸-۷۰۱: ۲۰۰۶). نتایج پژوهش برنس و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که زمان گذرانده شده با خانواده و همسالان، مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های کجروی هستند. به عبارتی می‌توان گفت زمان گذرانده‌شده با خانواده، به صورت عامل محافظی در برابر انواع رفتارهای انحرافی عمل می‌کند در حالیکه زمان گذرانده شده با همسالان، عامل مخاطره بسیار مهمی برای رفتارهای انحرافی است. این یافته، نتیجه حاصل از پژوهش چوی و چان (۲۰۱۳) را تأیید می‌کند.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون، شدت پیوستگی با دوستان کجرو نیز با کجروی نوجوانان دختر رابطه معنیداری داشت. و این مطلب حائز این نکته است که هر چه تماس دختر نوجوان با فرد کجرو زودتر آغاز شود، تکرار تماس به دفعات بیشتری باشد، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد و مدت معاشرت‌ها طولانی‌تر باشد، به همان نسبت احتمال کجروی بیشتر است (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۹۲). این یافته، نتایج حاصل از پژوهش‌های سراج‌زاده (۱۳۸۳)، ایمان و همکاران (۱۳۹۵) را تأیید می‌کند.

همچنین نتایج آزمون، رابطه معنادار گذراندن اوقات فراغت به تنهایی و تأثیر منفی و معکوس حضور چهره‌های مقتدر را با کجروی نوجوانان دختر اثبات نمود. که این یافته، نتایج پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۹۴) را تأیید می‌کند. نظریه فعالیت‌های روزمره تأکید دارد که گذراندن زمان در فعالیت‌های روزمره ساختنیافته با دوستان، در نبود چهره‌های مقتدر، ریسک کجروی را افزایش می‌دهد (سونسون، ۲۰۱۰: ۱۰۰۶). در نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون، عنصر نهایی لازم برای وقوع جرم، نبود نگاهبان توانمند است. با عمومیت بخشیدن به نقش نگاهبان، می‌توان گفت چنانچه هیچیک از چهره‌های مقتدر حضور نداشته باشند، موقعیت بیشتری برای وقوع کجروی فراهم می‌شود (ازگود، ۱۹۹۶: ۶۴۰). این فرضیه در پژوهش ازگود و همکاران (۱۹۹۶) و علیوردینیا و یونسی (۱۳۹۳) اثبات شد. به عبارتی هر دو پژوهش، رابطه معناداری را با جهت منفی بین دو متغیر حضور چهره‌های مقتدر و کجروی یافتند. به طور کلی می‌توان گفت در عصر کنونی، گسترش شهرنشینی و تحرک جغرافیایی مانع شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی

قوی و مستحکم در بین افراد شده‌است. روابط اجتماعی غیررسمی در زندگی شهری تغییر کرده است. روابط غیررسمی و شبکه اجتماعی فرد در مقایسه با گذشته، ویژگی‌ها و برخی کارکردهای خود را از دست داده است و از طرف دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی و منابع دیگری بوجود آمده‌اند که نقش آنها را بر عهده گرفته‌اند. در واقع، تغییرات اجتماعی و ورود سریع اطلاعات به جوامع جهان سوم و به ویژه شهرهای سنتی و کوچک‌تر، به طور مرتب نیازها و خواسته‌های نوجوانان به خصوص دختران نوجوان را تغییر می‌دهد.

دختر نوجوان امروزی در چنین شرایط و وضعیتی بدون حضور نگهبانان توانمند، برای پر کردن وقت آزاد و خلأ شبکه اجتماعی خود به سمت گزینه‌ها و منابع دیگری سوق داده می‌شود و بر اساس سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که در اختیار دارد الگوهای فراغتی مختلفی را بر می‌گزیند، و در دسترس‌ترین و آسان‌ترین وسیله برای پر کردن اوقات فراغت همین فناوری‌های ارتباطی نوین است که منبعی برای پرکردن خلأ شبکه اجتماعی و نبود فراغت‌های جالب و در دسترس هستند و هر قدر فاصله بین والدین به عنوان نگهبانان توانمند با دختران نوجوان افزایش یابد، بر میزان کجروی آنان نیز افزوده خواهد شد. از آنجایی که تاکنون توجه نسبتاً کمی به کاربرد نظریه‌های، خودکنترلی گاتفردسون، و فعالیت‌های روزمره فلسون، در بررسی کجروی دختران نوجوان (دانش‌آموزان دختر ۱۳-۱۵ سال) شده‌است، سعی بر این بوده است که در این پژوهش، از تلفیق این نظریات در تبیین کجروی دختران نوجوان شهر فیروزکوه استفاده شود و با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر، گزاره‌های نظریات خودکنترلی و فعالیت‌های روزمره را تأیید کرده، می‌توان به اعتبار تجربی این نظریات در بررسی کجروی نوجوانان دختر پی برد.

## منابع

- اکبری، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان.
- ایمان، محمدتقی؛ بهمنی، لیلیا؛ مریم‌سادات دلآور (۱۳۹۵)، سنجش جامعه‌شناختی نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهر شیراز)، فصلنامه توسعه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- حسینینثار، مجید، ابراهیم فیوضات (۱۳۹۰)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر پژوهش.
- رحمانی فیروزجاه، علی، عباسی اسفنجیر، علی اصغر و موسوی زاده، ربابه (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بهشهر در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۶۷-۹۸.
- راک، پل (۱۳۷۹)، کجروی، ترجمه اسماعیل اسفندیاری، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۵ و ۲۴.
- رستمی، نیر، راد، فیروز (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار: مطالعه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر، مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۵، شماره ۲۰، ص ۵۵-۷۵.
- سهرابزاده، مهران، سعیدی، مژگان (۱۳۹۹)، الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۳، شماره ۴، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- شاهرضا گم‌سایبی، مهدی (۱۳۹۶)، روابط دختر و پسر، کنفرانس ملی دانش و فناوری نوین در علوم مهندسی در عصر تکنولوژی.
- صفرزاده، سحر (۱۳۸۸)، زن بزهکار و عوامل شخصیتی و فرهنگی مرتبط با آن، زن و فرهنگ، ص ۸۱-۹۵.
- عباسی اسفنجیر، علی اصغر، تقوی، کبری (۱۳۹۵)، بررسی میزان و نوع کجروی در میان دانش‌آموزان: کاربرد تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۴، ص ۱۲۹-۱۵۴.
- فلسون و کلارک (۱۳۸۸)، فرصت و بزهکاری: نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری، ترجمه کلاتری. زنجان. نشر دانش زنجان.

مقیمی، مهدی؛ رشیدی، بهمن؛ داریوش رحمتی (۱۳۹۰)، علت‌شناسی جرم (نگاهی تحلیلی به پیشگیری پلیسی از جرم با تأکید بر نظریه فعالیت‌های روزمره)، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، ص ۱۳۱-۱۵۹  
مولایی، مهری، جانی، ستاره (۱۳۹۴)، رابطه اعتیاد به اینترنت با گرایش نوجوانان به جنس مخالف، رفتارهای جنسی، الککل، خشونت، چت و هک، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال نوزدهم، شماره ۶، ص ۳۳۴-۳۴۲  
ولش، کلی (۱۳۸۹)، درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی، ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، شماره ۴، ص ۱۰۳-۱۱۶  
ولد، جرج؛ توماس برنارد؛ جفری اسنیپس (۱۳۸۰) جرم‌شناسی نظری: گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه علی شجاعی. تهران: سمت.

ویلیامز، فرانکی، ماریلین مکشین (۱۳۹۱)، نظریه‌های جرم‌شناسی، حمیدرضا ملک محمدی، چاپ چهارم، تهران: میزان.

وینفری، توماس ال (۱۳۸۸)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه سید رضا افتخاری، گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی.

- Branic, N. (2014) Routine Activities Theory. In W.G. Jennings (Ed), Encyclopedia of Crime & Punishment, Malden, MA: Wiley-Blackwell. Seen at <https://webfiles.uci.edu>.
- Barnes, Grace M; Hoffman, Joseph H; Welte, John W; Farrell, Michael P; Dintcheff, Barbar,(2006), Adolescents' Time Use: Effects on Substance Use, Delinquency and Sexual Activity, Journal of Youth Adolescence, 36:697-710.
- Cheung, W. Yuet, (2010), Strain, Self- control, and Gender Diefferences in Delinquency among Chinese Adolescents: Extending General Strain Theory. SociologicaL Perspectives. Vol (53): 321- 345.
- Cheung, W. Nicole & W. Yuet Cheung, (2008), Self-control, Social Factors, and Delinquency, a Test of the General Theory of Crime among Adolescents in HongKong. Journal of Youth and Adolescence. Vol (37): 412- 430.
- Chui, W. H., Chan, H. C, (2013), Social Bonds and Male Juvenile Delinquency While on Probation, Children and Youth Services Review. Vol. 33, No. 1. pp: 2329-2334.
- Gottfredson, M. & T. Hirschi. (1990). A General Theory of Crime. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Grasmick, H.; R. Bursik & B. Arneklev. (1993). Reduction in Drunk Driving as a Response to Increased Threats of Shame, Embarrassment, and Legal Sanctions. Criminology. 31: 41-67.
- Greenberg, D. F. (1994). The Historical Variability of the Age- crime Relationship. Journal of Quantitative Criminology. 10(4): 361-373.
- Griffiths M, (2011), Sex on the internet: Observations and implications for internet sex addiction. Sex Res. 2001; 4(38): 333-42.
- Land, K. C, (1969), Principles of Path analysis. In: E.F.Borgatta(Ed.), sosiological methodology.San Francisco:Jossey- Bass.
- Marcum, Catherine D. Ricketts, Melissa L. Higgins, George E. (2010) Assessing Sex Experiences of Online Victimization: An Examination of Adolescent Online Behaviors Using Routine Activity Theory, Journal of Criminal Justice Review, 35: 412- 437.
- Miller, J. Mitchell (Ed). (2009), 21st Century Criminology A Reference Handbook, USA: SAGE Publications.
- Miro, Fernando. (2014), The Encyclopedia of Theoretical Criminology, Edited by J. Mitchell Miller, Blackwell Publishing Ltd. seen at <http://onlinelibrary.wiley.com>.
- Osgood, D.Wayne; Wilson, Janet K. O'Malley, Patrick; Bachman, Jeral G. Johnston, Lloyd D, (1996), Routine Activities And Individual Deviant Behavior, Journal of American Sociological Review, 61: 635-655.
- Pratt, T. C. & F.T. Cullen, (2000), The Empirical Status of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime: A Meta-analysis. Criminology. 38: 931-964.
- Polakowski, M. (1994). Linking self and Social Control with Deviance: Illuminating the Structure Underlying a General Theory of Crime. Journal of Quantitative Criminology. 10: 41-78.
- Reyns, Bradford W. Henson, Billy; Fisher, Bonnie S. (2011) Being Pursued Online: Applying Cyberlifestyle-Routine Activities Theory to Cyberstalking Victimization, Journal of Criminal Justice and Behavior, 38: 1149- 1169.
- Salmi. Venla; Kivivuori, Janne. (2006), The Association between Social Capital and Juvenile Crime, European Society of Criminology, Vol. 3(2): 123-148.
- Svensson, R, (2010), It's not the Time They Spend, It's what They Do: The Interaction between Delinquent Friends and Unstructured Routine Activity on Delinquency Findings from Two Countries, Journal of Criminal Justice, 38: 1006-1014.
- Siegel. L. J. (2001). Criminology: Theories, Patterns, and Typologies. (7th ed).University of Massachusetts.
- Siegel, Larry J. (2010), Criminology, Theories, Patterns, and Typologies, USA: Wadsworth, Cengage learning, tenth edition.

- Vera, P. Eliseo & Moon. Byongook, (2013), An Empirical Test of Low Self-control Theory among Hispanic Youths. *Youth Violence and Juvenile Justice*. Vol (11): 179- 193.
- Wang, John Z. (2002) Bank Robberies by an Asian Gang: An Assessment of the Routine Activities Theory, *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 46(5): 555-568.